نگاهی بر شیوه نگارش فارسی

ادیک باغداساریان

(ا. گرمانیک)

Էդիկ Բաղդասարյան
(Էդ. Գերմանիկ)

Ակնարկ Պարսկերենի Ուղղագրության
(Պարսկերեն)

Some Notes on Persian Orthography
(in Persian)

By:

Edic Baghdasarian

(Ed. Germanic)

ISBN : 978-1-927860-23-6

WWW.Edic-Baghdasarian.com

نگاهی بر شیوه نگارش فارسی

ادیک باغداساریان

(ا. گرمانیک)

ISBN : 978-1-927860-23-6

تورونتو۱۳۹۳

فهرست

شیوه نگارش فارسی

نگارش زبان فارسی کنونی دارای دشواری هایی است که در این بخش می کوشیم مهمترین آنها را بیان کنیم. در فارسی کنونی حروف صدادار نوشته نمی شود پیوسته یا ناپیوسته نوشتن واژه ها بحث هایی را به دنبال دارند، فارسی را آنگونه نوشتن که به کار پردازش های نوین رایانه ای بیاید و بسیاری مسایل دیگر از جمله دشواری هایی هستند که ایرانیان دیر یا زود برای رسیدن به یک زبان نگارشی یکدست، علمی، پاسخگوی نیازهای تکنولوژیکی زمان و بسیاری مسایل دیگر، باید راه کارهایی برای آنها بیابند و زبان فارسی را از نابسامانی هایی که از گذشته تا کنون گریبانگیر آن بوده برهانند. در زیر به ترتیب حروف الفبا نکات مهم نگارش فارسی ارائه می شود؛ آنگاه قانون های حاکم بر روش نگارش فارسی و در پی آن فهرستی از گزیده واژگان درست و نادرست خواهد آمد:

الف

۱- است: اگر این کلمه پس از کلمه ای بیاید که به «ا» و «و» ختم شده بهتر است آن را بدون «ا» بنویسیم:

بنویسیم	ننویسیم
داناست	دانا است
نکوست	نیکو است

در دیگر موارد می توان«ا» را نوشت:

کدام است	کدامست
بازاست	بازست

۲- اسمهای خاص

نام هایی چون عیسی، موسی، یحیی، مرتضی به همین صورت نوشته می شوند مگر اینکه به دنبال آنها «ی» مصدری یا نسبت یا نکره بیاید. در این صورت به شکل زیر می نویسیم:

عیسای مریم، موسای کلیم، یحیای برمکی، مرتضایی

۳- اسمهای خاص اسماعیل، ابراهیم، رحمان، اسحاق، هارون در فارسی به همین شکل نوشته می شوند:

بنویسیم ننویسیم

اسماعیل اسمعیل

اسحاق اسحق

۴- اسمهای کاووس، سیاووش، داوود، طاووس، لهاوور با دو «و» نوشته می شوند. لیکن با یک «و» نیز نادرست نیست.

۵- ام، ای، ایم، اید (اول، دوم شخص مفرد و جمع مضارع فعل «بودن»)

بنویسیم ننویسیم

خشنودم خشنودام(پس از کلمه مختوم به حرف صامت یا مصوت مرکب).

رهروید رهروا‌ید (" " " ")

آزاده ام آزاده م (پس از کلمه مختوم به ه غیر ملفوظ)

توانایم توانا ام (پس از کلمه مختوم به «ا» یا «و») الف تبدیل به ی می شود.

دانشجویند دانشجواند(" " " " " ")

ایرانیم ایرانی ام‌پس از کلمه مختوم به «ی»

۶- این، آن

<u>بنویسیم</u> <u>ننویسیم</u>

این همه،این را اینهمه، اینرا (این و آن ضمیر یا صفت اشاره یا مبهم هستند)

این است	اینست
آن سو	آنسو
آن گونه	آنگونه
آن چنان	آنچنان

- ساخت کلمه مرکب با آن و این. در این صورت پیوسته نوشته می شوند:

اینجا	این جا
آنجا	آن جا
این که	اینکه

اگر کلمه **هم** پیش از آنها بیاید دو کلمه جدا نوشته می شوند:

همین جا	همینجا
همان جا	همانجا

اما اگر هم به معنی تکرار باشد خواهیم داشت:

هم اینجا بوده ام و هم آنجا

-اگر «آنکه» به معنای «آن کس که» باشد جدا نوشته می شود:

آن که درسش را به موقع خواند

-این و آن با «به» پیوسته نوشته نمی شوند:

بنویسیم	ننویسیم
به این	باین
به آن	بآن

-کلمه مرکبی که با یکی از کلمات «این» و «آن» ساخته شده باشد تابع قاعده کلمات مرکب است و سر هم نوشته می شود:

بنویسیم	ننویسیم
همین	هم این
همان	هم آن

-ترکیب بدین، بدان درست است.

ب:

۷- ب (-پیشوند فعل):

درست	نادرست
بروید	به روید

-زمانی که فعل با حرف «آ» آغاز شود هنگام افزودن «ب» «آ» به «ا» تبدیل می شود:

	درست	نادرست
آموختن:	بیاموزید	بیآموزید

-زمانی که فعل با «ا» آغاز شود هنگام افزودن «ب» «ا» حذف می شود:

	درست	نادرست
انداختن:	بیندازید	بیاندازید

-به (حرف اضافه) جدا از کلمه بعد نوشته می شود مگر در کلمه «بجز»:

درست	**نادرست**
جا به جا	**جابجا**
یک به یک	**یک بیک**
در به در	**در بدر**
خود به خود	**خود بخود**
به طرف	**بطرف**
به سوی	**بسوی**

-اگر «ب» به کلمه افزوده شده صفت بسازد در این صورت به کلمه چسبیده می شود:

درست	**نادرست**
بهوش(=هشیار)	**به هوش**
بجا(=شایسته)	**به جا**
بشرح(=مشروح)	**به شرح**
بنام(=مشهور)	**به نام**

-«ب» در آغاز برخی از کلمه های مرکب عربی به معنای حرف اضافه فارسی نیست و پیوسته به کلمه می چسبد.

درست	نادرست
بشخصه	به شخصه
بعینه	به عینه

- حرف اضافه «به» پیش از ضمایری که با «ا» شروع می شوند می تواند به آن ضمیر بچسبد و «ا» یا «آ» به «د» تبدیل گردد:

	درست	نادرست
به او	بدو	به دو
به آن	بدان	به دان

۸- **بی** معمولاً جدا از کلمه بعد نوشته می شود:

درست	نادرست
بی درنگ	بیدرنگ
بی گناه	بیگناه

- موارد زیر استثناء هستند:

بیخود، بیهوده، بیعار، بیکار، بیزار، بیچاره، بیداد، بیراه، بیراهه، بینوا.

۹- ة، در فارسی «ة» یا به «ه» تبدیل می شود. مانند:

مراجعه

معاینه

و یا به «ت» مبدل می شود:

مراجعه – مراجعت

زکاة – زکات

غیر از چند اصلاح: روضه الصفا، قصبه الریه، رحمه الله علیه، کامله الوداد، لیله القدر

۱۰- تر، ترین: به صفت می چسبند.

درست	نادرست
آسانتر	آسان تر
نزدیکترین	نزدیک ترین

-اگر کلمه به «ت» ختم شود و یا کلمه مرکب باشد، تر و ترین جدا نوشته می شوند.

زشت تر	زشتتر
درشت ترین	درشتترین
جانکاه تر	جانکاهتر
خشمگین تر	خشمگینتر

تنوین (مفتوح): در فارسی به صورت اً است و نه ہ و غیره:

درست	نادرست
عجالتاً	عجاله
جزئاً	جزءً
استثنائاً	استثناءً

-تنوین مضموم به صورت(ء) است:
مضافٌ الیه، مقسومٌ الیه

(چ)

چه:

درست	نادرست
چه سان؟	چسان؟
چه کار کردی	چکار کردی؟
چگونه؟	چه گونه؟
چطور؟	چه طور؟
چقدر؟	چه قدر؟
چنانچه	چنان چه
بازیچه	بازی چه
تیمچه	تیم چه
چکاره	چه کاره

(ر)

را- از کلمه جدا نوشته می شود:

درست	**نادرست**
آن را	**آنرا**
کتاب را	**کتابرا**

-«چرا» خود یک کلمه پرسشی مستقل است و باید «چرا» نوشته شود. اما اگر به معنی «چه چیز را» باشد باید جدا نوشته شود: چه را بردی؟

«ضمایر ملکی»

ضمایر ملکی: م، ت، ش، مان، تان، شان

-اگر کلمه به حرف بی صدا یا صدا دار «اُ» ختم شود این ضمایر به کلمه می چسبد:

کتاب + م = کتابم

گندم و جو + تان = گندم و جوتان

-اگر کلمه به ه ختم شود خواهیم داشت:

مفرد

جامه + م = جامه ام

جامه + ت = جامه ات

جامه + ش = جامه اش

جمع

جامه + مان = جامه مان

جامه + تان = جامه تان

جامه + شان = جامه شان

- **میان کلمات مختوم به «ا» و «و» (با تلفظ او) «ی» اضـــــافه می شود:**

کتابهایم، کتابهایت، کتابهایش، کتابهایمان، کتابهایتان، کتابهایتان گفتگویت، گفتگویش.

- **پس از کلمات مختوم به «ی» (با تلفظ ئی) به صورت زیر نوشته می شود:**

بارانی + م = بارانیم

بارانی + ت = بارانیت

بارانی + ش = بارانیش

بارانی + مان = بارانیمان

بارانی + تان = بارانیتان

بارانی + شان = بارانیشان

(ک)

کسره اضافه:

-پس از حروف صدادار «ا» و «و» و همزه «ی» اضافه می شود.

خدا + بزرگ = خدای بزرگ

آهو + دشت = آهوی دشت

املاء + کلمه = املای کلمه ، غیر از جزء + ناچیز = جزء ناچیز

- پس از حرف صدا دار «و» (با تلفظ کشیده«اُ»):

راهرو + باریک = راهروِباریک

خسرو + خوبان = خسروِخوبان

ک- جدا از کلمه پیشین نوشته می شود: (غیر از کلمات مرکب)

زمانی که	**زمانیکه**
در حالی که	**در حالیکه**
چنان که	**چنانکه**

(م)

(مرکب)[1]

کلمه های مرکب را معمولاً پیوسته می نویسیم:

بزرگداشت	**بزرگ داشت**
پنجساله	**پنج ساله**

۱- همواره ستون اوم از راست درست و ستون چپ نادرست است.

دستفروش دست فروش

نگهداری نگه داری

یکباره یک باره

خوشخو خوش خو

-اگر کلمه مرکب باعث اشتباه یا دشواری خواندن و نوشتن شود جدا می نویسیم:

زیست شیمی زیستشیمی

هم ارزی همارزی

خوش مشرب خوشمشرب

-در کلمات مرکب که بخش دوم با «آ» شروع می شود، دو کلمه را معمولاً می چسبانیم و «آ» به «ا» تبدیل می شود:

پیشامد پیشآمد/پیش آمد

خوشایند خوشآیند/خوش آیند

- اگر پیوسته نوشتن باعث اشتباه یا دشواری در نوشتن و خواندن کلمه شود دو بخش را جدا می نویسیم:

دست آموز دستاموز

دل آزار دلازار

حسن آباد حسناباد

-اگر بخش دوم با «الف» (ا) آغاز شود دو کلمه را جدا می نویسیم:

هم اتاق هماتاق

هم اکنون هماکنون

- مصدرها و افعال جدا نوشته می شوند:

بزرگ داشتن	بزرگداشتن
نگاه داشتن	نگاهداشتن

-کلمات ناشی از مصدرها سرهم نوشته می شوند.

چشمپوشی	چشم پوشی
چشمداشت	چشم داشت.

-ترکیب های عربی معمول در فارسی جدا نوشته می شوند:

من جمله	منجمله
مع هذا	معهذا

-اگر بخش دوم «شناس» یا «شناسی» باشد دو کلمه جدا نوشته می شوند:

درست	نادرست
باستان شناسی	باستانشناسی
زبان شناسی	زبانشناسی
زیست شناسی	زیستشناسی

مصوت مرکب «و»

درست	نادرست
دو صد متر	دوی صد متر
جو دوسر	جوی دوسر
لباس نوم	لباس نویم/لباس نوام

راهرو تاریک راهروی تاریک

جلو خانه جلوی خانه

می (فعلی) جدا از فعل نوشته می شود:

می روم میروم

می گوید میگوید

(ن)

-ن (نشانه منفی)

نگویم نه گویم

ننویس نه نویس

- اگر فعل با «آ» شروع شود به «ا» تبدیل و س (ذ) و (ا) حرف «ی» اضافه می شود:

نیامد نیآمد

نیارامید نیآرامید

- اگر فعال با «ا» آغاز شود هنگام افزوده شدن «ذ» (ا) حـــذف و «ی» جانشین آن می شود:

نیفتید نیافتید

نیفکنید نیافکنید

(ه)

ه- اگر پس از آن نشان جمع (ان) یا (ی) اسم ساز و صفت ساز بیاید (ه) به «گ» تبدیل می شود:

	درست	نادرست
بنده>	بندگان	بنده گان
آزاده>	آزادگان	آزاده گان
بنده >	بندگی	بنده گی

-«ی» صفت ساز پس از (ه) به صورت (ای) نوشته می شود:

درست	نادرست
سرمه ای	سرمه ئی/سرمه یی
روزنامه ای	روزنامه ئی/روزنامه یی

- «ی» نکره یا وحدت پس از «ه» به صورت (ای) تبدیل می شود:

دسته ای	دسته ئی/دسته یی
خانه ای	خانه ئی/خانه یی

- ه که تلفظ نمی شود پیش از پسوند حذف نمی شود:

علاقه مند	علاقمند
بهره مند	بهرمند

ه- پیش از «ها» (نشانه جمع) حذف نمی شود:

جامه ها	جامها
خانه ها	خانها

ها- (نشانه جمع)- به کلمه می چسبد:

کتابها کتاب ها

ماها ماه ها

مگر در موارد زیر:

نامه ها نامهها

فردوسی ها فردوسیها

سوسیالیست ها سوسیالیستها

«ایرانی» ها «ایرانیها»

هم- (پیشوند اشتراک) پیوسته نوشته می شود:

هماهنگ هم آهنگ

هماواز هم آواز

همچنان هم چنان

- اگر بخش دوم با (م) شروع شود جدا باید نوشته شوند:

هم میهن هممیهن

هم مذهب هممذهب

- هم (قید) جدا نوشته می شود:

من هم آرزوها دارم منهم آرزوها دارم

همزه: -همزه پس از (ا) حذف می شود:

ابتدا، انشا، املا، انقضا، اجرا، اطبا در اضافه به (ی) تبـــدیل می شود:

ابتدای سخن، انشای زیبا

-همزه پس از اَ نوشته می شود:

مبدأ، منشأ، خلأ

اگر ی اضافه شود خواهیم داشت:

مبدئی، منشئی، خلئی

- **در اکثر موارد دیگر به صورت «ء» نوشته می شود:**

جزء، سوء، بطیء، شیء

- **همزه در میان کلمه:**

درست	نادرست
آیین	آئین
آیینه	آئینه
پاییز	پائیز
روشنایی	روشنائی

مگر پس از (اَ) و پس از (اَ) و پیش از (آ) به صورت (أ و آ) رأس، مأخذ، منشآت، مآل، مآخذ، قرآن، مرآت.

- **پس از (اُ) به شکل (ؤ) و یا (اِ) مؤمن، رؤیت، ائتلاف، تبرئه.**
- **پیش از (اَ) مسئله، هئیبت، دیائت**
- **پیش از (اِ) مسائل، سوئد، صائب**
- **پیش از مصوت بلند (و): شئون و مسئل (این کلمه را به صورت مسئولیت نیز می توان نوشت)، کاکائو.**

همین: جدا از کلمه بعد نوشته می شود:

درست	نادرست
همین جا	همینجا
همین گونه	همینگونه

همین که= همینکه

(ی)

ی در فارسی در حالتهای مصدری، نسبت، نکره و وحدت است:

-اگر پس از کلمه مختوم به مصوت بسیط باشد، نباید:

به صورت (یی) نوشته می شود:

چاره جو	چاره جویی (مصدری)
آسیا	آسیایی (نسبت)
ماهرو	ماهرویی (نکره یا وحدت)
طوطی	طوطیی (نکره یا وحدت)

پس از (ه) به صورت (ای) می آید:

نامه نامه ای

- اگر کلمه ای به (اُ) ختم شود خواهیم داشت:

رهرو رهروی

- اگر کلمه ای به (ی) ختم شود:

نی نیی

پی پیی

قانون های روش نگارش فارسی

۱- رعایت حد و استقلال دستوری هر واژه از نظر معنی و از این رو هر واژه مستقل را باید جداگانه نوشت:

۲- هر گاه دو یا چند واژه با هم ترکیب شوند و از ترکیب آنها واژه ای نو با معنی دیگری غیر از مفهوم هر یک از بخش های ترکیب شده پدید آید باید به یکدیگر پیوسته نوشته شوند.

۳- اگر پیوستگی دو واژه باعث اشتباه یا دشواری در خواندن و نوشتن شود می توان آنها را جدا نوشت.

۴- هر گاه در ترکیب دو واژه، واژه دوم با آ شروع شود، آ تبدیل به ا می شود.

۵- حرف اضافه «به» جدا از اسم و ضمیر نوشته می شود. غیر از بدین ، بدان، بدو، بدیشان، بدانان.

۶- حرف «ب» که در آغاز اسم اضافه شده صفت یا قید می سازد باید پیوسته نوشته شود.

۷- پیشوندها و پسوند ها همواره باید به کلمه متصل باشند.

۸- اجزای پیشین فعل (ب، ن، م) را باید و پیوسته به فعل نوشت.

۹- هنگام افزوده شدن اجزای (ب، ن، م) بر سر فعلی که با آ آغاز می شود آ به یا تبدیل می شود

۱۰- «به» را در آغاز عبارت فعلی (افعال مرکب) باید جدا نوشت

۱۱- نه... نه، هم... هم به کلمه نمی چسبند.

۱۲- می، همی به فعل نمی چسبند.

۱۳- «بی» به معنی (بدون) جدا نوشته می شود: بی نظم، بی هدف

۱۴- بی به معنی (نفی) بر سر اسم یا ضمیر اضافه می شود:
بیزار، بیخود، بیدل.

۱۵- (ه، ه) بی حرکت بخش اول کلمات مرکب نباید چسبانید این قاعده شامل های ملفوظ نمی شود.

۱۶- نشانه جمع ها باید به کلمه پیوسته باشد.

۱۷- کلماتی که به آ و و (ou) ختم می شوند هنگام اضافه شدن به کلمه ای دیگر، حرف ی میان آنها اضافه می شود. همچنین اگر نشانه جمع یا صفت فاعلی یا اسم مصدر ان به آنها افزوده شود باز هم ی میان آنها اضافه می شود.

۱۸- واژه های مختوم به حرف صدادار ی هنگام اتصال به یای دیگر (وحدت، نکره) چنین نوشته می شوند:

ماهی ماهیی
آگاهی آگاهیی

۱۹- نام های خاص و کلماتی مانند هارون، اسماعیل، رحمان، اسحاق، ابراهیم، ملایکه، سماوات، کاووس، طاووس، داوود، سیاووش [چهار نام اخیر را با یک واو نیز می توان نوشت]

۲۰- الف مقصوره کلمات عربی در فارسی به صورت الف نوشته می شوند. غیر از نام های کسان که در اینصورت اگر صفت یا انصاف الیه بگیرند با الف نوشته می شوند.

۲۱- الف (است) بعد از کلمات مختوم به «آ» یا (و) بلند حذف می شود.

۲۲- هر گاه اجزاء ب، ن، م بر سر فعلی بیاید که با الف شروع شده، الف به ی تبدیل می شود.

ب + انداختن = بینداخت

استثنا: اما اگر فعل با (ای) یا (اِ) شروع شود این حروف پیوسته نوشته می شوند:

بایستاد، نایستاد

۲۳- پس از حرف (ی) یک حرف صدادار و کشیده (ی) بیاید خرد و به صورت (ی) نوشته می شوند

بوییدن بوئیدن

۲۴- تنوین مخصوص کلمات عربی است و تابع ضوابط خاص صرفی و نحوی آن زبان، به کار بردن آن در واژه های فارسی و غیر عربی درست نیست:

بناچار ناچاراً

زبانی زباناً

دوم دوماً

۲۵- همزه در کلمات خارجی نوشته می شود:

ایدئولوژی

- همزه در آخر کلمه های ممدود عربی حذف می شود:

ابتدا ابتداء

- همزه وسط کلمه را چنانچه میان فتحه و الف واقع شده باشد به صورت ـَـ می نویسند... مَآخذ، مَآب، منشَآت.

- همزه ساکن وسط یا آخر کلمه در صورتی که پس از فتحه واقع شده باشد روی «ا» نوشته می شود.

مانند رأس، رأفت، مأوا، تأدیه، منشأ

- همزه ماقبل مضموم همیشه روی (واو) نوشته می شود:

مؤمن، رؤیا

- همزه ساکن یا متحرک پس از کسره به صورت ئ نوشته می شود:

تبرئه، توطئه

- همزه مفتوح ماقبل ساکن در وسط کلمه با حرکت فتحه به صورت أ نوشته می شود: مسأله، جرأت، هیأت، نشأت

در زیر فهرست گزیده ای از واژگان درست و نادرست بر پایه قانون های یاد شده به خوانندگان و پژوهندگان پیشکش می شود:

واژه نامه نگارش درست فارسی

درست	نادرست	قانون
دانشسرای عالی	دانشسرایعالی	۱
وزارت فرهنگ	وزارتفرهنگ	۱
هیچ کس	هیچکس	۱
آن را	آنرا	۱
نگاه داشتن	نگاه داشتن	۱

عرض کردن	عرضکردن	۱
فرمانداری کل	فرمانداریکل	۱
این مطلب	اینمطلب	۱
ارجاع کرد	ارجاعکرد	۱
کتاب را	کتابرا	۱
ای دوست	ایدوست	۱
یک روز	ایکروز	۱
چه گویم	چگویم	۱
چه کار می کنی	چکار میکنی	۱
این کار	اینکار	۱
آن کس	آنکس	۱
چرا(نشانه پرسشی)؟چه را؟		۲
چقدر	چه قدر	۲
چطور	چه طور	۲
آنکه	آن که	۲
اینکه	این که	۲
چنانکه	چنان که	۲
همچنانکه	همچنان که	۲
چنانچه	چنان چه	۲
آنچه	آن چه	۲
درست است که	درست استکه	۱

مردی است که	مردی استکه	۱
که را	کرا	۱
چندانکه	چندان که(حرف ربط)	۲
همینکه	همین که(حرف ربط)	۲
چونکه	چون که(حرف ربط)	۲
اینجا	این جا	۲
آنجا	آن جا	۲
اینجانب	این جانب	۲
بهبود	به بود	۲
چیستان	چیست آن	۲
جستجو	جست و جو	۲
نگهداری	نگه داری	۲
پنجشنبه	پنج شنبه	۲
یکدیگر	یک دیگر	۲
هیچکاره	هیچ کاره	۲
پیشبینی	پیش بینی	۲
شاهنامه	شاه نامه	۲
دانشکده	دانش کده	۲
دوستکام	دوست کام	۲
صاحبدل	صاحب دل	۲
هم منزل	هممنزل	۳

کین توز	کینتوز	۳
عدالت پیشه	عدالتپیشه	۳
بی تربیت تر	بی تربیتتر	۳
عدالت شعار	عدالتشعار	۳
پیشاهنگ	پیشآهنگ	۴
دلاویز	دلآویز	۴
پیشامد	پیشآمد	۴
دلارام	دلآرام	۴
هماواز	همآواز	۴
فرایند	فرآیند	۴
ناماور	نامآور	۴
به خانه	بخانه	۵
به تهران	بتهران	۵
به تو	بتو	۵
بخرد (=خردمند)	به خرد	۶
بهوش (هوشیار)	به هوش	۶
بنام (نامی)	به نام	۶
بجد (جداً)	به جد	۶
بتدریج (تدریجاً)	به تدریج	۶
همنشین	هم نشین	۷
همدل	هم دل	۷

همکار	هم کار	۷
بجا (شایسته)	به جا	۷
بجز	به جز	۷
باغبان	باغ بان	۷
مرغدان	مرغ دان	۷
دانشمند	دانش مند	۷
گلزار	گل زار	۷
کشتزار	کشت زار	۷
ببیند	به بیند	۸
برود	به رود	۸
نروید	نه روید	۸
مکن	مه کن	۸
بیاید = (ب + آید)		۹
بیارا = (ب + آراید)		۹
میاسا = (م + آسا)		۹
به کار برد	بکار برد	۱۰
به دست آورد	بدست آورد	۱۰
به خاطر آورد	بخاطر آورد	۱۰
به زانو در آمد	بزانو در آمد	۱۰
بی تربیت	بیتربیت	۱۳
بی نظم	بینظم	۱۳

نه می رود نه می ماند نمی رود نمی ماند		۱۳
می گوید	میگوید	۱۲
بیزار	بی زار	۱۴
بیخود	بی خود	۱۴
بیدل	بی دل	۱۴
بیکار	بی کار	۱۴
بیکاره	بی کاره	۱۴
بی سامان	بیسامان	۱۴
بی اساس	بیاساس	۱۴
علاقه مند	علاقمند، علاقهمند	۱۵
علاقه بند	علاقبند	۱۵
دیوانه وش	دانهوش	۱۵
گله مند	گلمند	۱۵
نامه رسان	نامهرسان	۱۵
جامه ها	جامها	۱۵
بهره مند	بهرمند	۱۵
بهره وری	بهروری ی	۱۵
دهها	ده ها	۱۵
ماهها	ماه ها	۱۵
من جمله	منجمله	۱
ان شاء الله	انشاءالله	۱

عن قریب	عنقریب	۱
علی هذا	علیهذا	۱
مع هذا	معهذا	۱
علی رغم	علیرغم	۱
علی حده	علیحده	۱
معذالک	معذالک	۱
گلها	گل ها	۱۶
باغها	باغ ها	۱۶
آنها	آن ها	۱۶
کتابها	کتاب ها	۱۶
خانه ها	خانها	۱۶
جامه ها	جامها	۱۶
دانای روزگار	دانا روزگار	۱۷
خدای بزرگ	خدای بزرگ	۱۷
ندای بلند	ندا بلند	۱۷
آشنایان	آشنا ان	۱۷
نکویان	نکو ان	۱۷
بویان	بوان	۱۷
قالیشویان	قالیشوان	۱۷
آگاهیی	آگاهی ای	۱۸
دیوانگیی	دیوانگی ای	۱۸

ماهیی	ماهی ای	۱۸
معنیی	معنی ای	۱۸
قاضیی	قاضی ای	۱۸
اسماعیل	اسمعیل	۱۹
اسحاق	اسحق	۱۹
کاووس (کاوس)	-	۱۹
طاووس(طاوس)	-	۱۹
سیاووش (= سیاوش)	-	۱۹
داوود (= داود)	-	۱۹
اعلا	اعلی	۲۰
بلوا	بلوی	۲۰
مصفا	مصفی	۲۰
مبتلا	مبتلی	۲۰
مصطفی	مصطفا	۲۰
موسی	موسا	۲۰
عیسی	عیسا	۲۰
اولیتر	اولاتر	-
عیسای مسیح	عیسی مسیح	۲۰
یحیای ترمکی	یحیی برمکی	۲۰
تواناست	توانا است	۲۱
سخنگوست	سخنگو است	۲۱

هنری ام(= هنری هستم)	هنریم	
هنری ای(= هنری هستی)	هنریی	
هنری است	هنریست	
هنری ایم (= هنری)	هنرییم	
هنری اید (= هنری هستید)	هنرییید	
هنری اند (= هنری هستند)	هنریند	
هردویی (هر دوهستی)	هردوای	
تویی (=تو هستی)	توای	
چیست	چه است	
کیست	که است	
بینداخت	بیانداخت	۲۲
نینداز	نیانداز	۲۲
مینداز	میانداز	۲۲
بیفتاد	بیافتاد	۲۲
بایستاد	بیستاد	۲۲
نایستاد	نیستاد	۲۲
بوییدن	بوئیدن	۲۳
روییدن	روئیدن	۲۳
پوییدن	پوئیدن	۲۳
چایی	چائی	۲۳
بناچار	ناچاراً	۲۴

جانی	جاناً	۲۴
زبانی	زباناً	۲۴
دوم	دوماً	۲۴
سوم	سوماً	۲۴
گاهی	گاهاً	۲۴
تلفنی	تلفناً	۲۴
تلگرافی	تلگرافاً	۲۴
بی درنگ، فوری	فوراً	۲۴
بتحقیق	تحقیقاً	۲۴
بسرعت	سریعاً	۲۴
بتدریج	تدریجاً	۲۴
بتقریب	تقریباً	۲۴
بیقین	یقیناً	۲۴
اتفاقی	اتفاقاً	۲۴
بتفصیل	مفصلاً	۲۴
بشدت	شدیداً	۲۴
بعمد	عمداً	۲۴
باجمال	اجمالاً	۲۴
بحقیقت	حقیقتاً	۲۴
بضرورت	ضرورتاً	۲۴
بکلی	کلاً	۲۴

بتمامی	تماماً	۲۴
بصرف	صرفاً	۲۴
بتلویح	بلویحاً	۲۴
بتصریح	تصریحاً	۲۴
بتصریح	صریحاً	۲۴
برای نمونه	مثلاً	۲۴
بندرت	ندرتاً	۲۴
بواقع، در واقع	واقعاً	۲۴
بدقت	دقیقاً	۲۴
بخصوص	خصوصاً	۲۴
بفرض	فرضاً	۲۴
باختصار	اختصاراً	۲۴
باختصار	مختصراً	۲۴
بحق	حقاً	۲۴
ایدئولوژی	ایدیولوژی	۲۵
ابتدا	ابتداء	۲۵
املا	املاء	۲۵
انشا	انشاء	۲۵
انشای فارسی	انشاءفارسی	۱۷
ابتدای کار	ابتداء کار	۱۷
شعرای نامدار	شعراء نامدار	۱۷

منشآت	منشئات	۲۵
مآخذ	مئاخذ	۲۵
رأس	رئس	۲۵
تأدیه	تادیه، تئدیه	۲۵
مؤمن	مومن	۲۵
رؤیا	رویا	۲۵
لؤلؤ	لولو	۲۵
مؤدب	مودب	۲۵
مؤنث	مونث	۲۵
مؤسس	موسس	۲۵
سؤال	سوال	۲۵
رؤسا	روسا	۲۵
مؤاخذه	مواخذه	۲۵
تبرئه	تبریه	۲۵
توطئه	توطیه	۲۵
ایدئالیست	ایدیالیست	۲۵
سئانس	سیانس	۲۵
تئاتر	تاتر	۲۵
رئالیست	ریالیست	۲۵
ارلئان	ارلیان	۲۵
مسأله	مسئله، مساله	۲۵

جرأت	جرئت، جرات	۲۵
هیأت	هیئت، هیات	۲۵
نشأت	نشات، نشئت	۲۵
ژوئن	ژوین	۲۵
پنگوئن	پنگون	۲۵
رؤوف (= رئوف)	رؤف	۲۵
مسؤول (= مسئول)	مسؤل	۲۵
مؤونت (= مئونت)	مؤنت	۲۵
مسایل	مسائل	۲۵
جوایز	جوائز	۲۵
مصایب	مصائب	۲۵
معایب	معائب	۲۵
فواید	فوائد	۲۵
عجایب	عجائب	۲۵
دلایل	دلائل	۲۵
جایز	جائز	۲۵
قایل	قائل	۲۵
علایق	علائق	۲۵
دقایق	دقائق	۲۵
ملایکه	ملائکه	۲۵
کاینات	کائنات	۲۵

صایب	صائب	۲۵
خدمتگزار	خدمتگذار	-
سپاسگزار	سپاسگذار	-
در	درب	-
گرامی	گرام	-

نکات مهم دستوری

۱- در فارسی کنونی تلاش می شود از موارد زیر در حد امکان استفاده نشود:

- تنوین (هر سه نوع)

- ة

۲- برای ساختن واژگان نو می توان واژه های جزء را مخفف نمود تا واژه بدست آمده کوتاه و تلفظ آن آسان سلیس و روان باشد.

۳- اسم در زبان فارسی دو گونه است. اسم ساده، اسم مرکب

اسم مرکب از ترکیب دو یا چند واژه به دست می آید:

۱-۳- از دو اسم که در اینصورت پیوسته نوشته می شوند: کارخانه، گلاب، صاحبدل

۲-۳- از اسم و صفت که معمولاً پیوسته نوشته می شوند: دلتنگ، سپیدرود، دلسرد.

۳-۳- اسم و عدد: چهارپا، سی و سه پل، چهل ستون، چهارباغ

۴-۳- دو فعال (ناپیوسته): هست و نیست، بود و نبود.

۵-۳- با حذف کسره مضاف: مادر زن، پدر زن، مادر شوهر

۶-۳- دو صفت: نیک و بد، سرد و گرم

۷-۳- اسم و قید: همیشه بهار، زیر زمین

۸-۳- دو قید: چون و چرا

۹-۳- اسم و اسم مفعول: دلشکسته، خمیده قد

۱۰-۳- در مصدر مخفف (مرخم): برد و باخت، رفت و آمد، تاخت و تاز

۱۱-۳- مصدر مرخم و فعل امر: گفتگو، جستجو، شستشو

۱۲-۳- اسم و پیشوند: همسر، همکاران، بازدید، هم منزل

۱۳-۳- اسم و پسوند: باغبان، گلستان، جانور، کوهسار، دانشکده

۱۴-۳- مصدر و اسم مصدر: خورد و خواب.

۴- در حد امکان از جمع عربی استفاده نشود:

درست	نادرست
مورخان	مورخین
مترجمان	مترجمین
معاصران	معاصرین
معلمان	معلمین
حالت ها	حالات

۵- ترتیب اجزاء جمله:

- **در جمله فعلیه معمولاً به صورت زیر است:**

۱- فاعل، ۲- معفول بیواسطه، ۳- مفعول بواسطه، ۴- فعل «در باغ زیر یک درخت تنومند سیب، پس از چند ساعت بازی و سبکسری به استراحت نشستیم.

- **در جمله اسمیه یا اسنادی بدین قرار است:**

۱- مسندالیه ۲- مسند ۳- رابطه

-جای قید: قید زمان اغلب پیش از دیگر اجزای جمله قرا می گیرد ولی پیشترین آنها پیش از فعل جا می گیرند.

۶- نباید هست را به جای است به کار برد:

بنویسید:

دانش آموزخوبی است و خوب درس می خواند

ننویسید:

دانش آموز خوبی هست و خوب درس می خواند

۷- تا آنجا که می توان از فعل های می باشد، می باشند به جای است و اند استفاده نکنید مگر آنکه تعداد فعلهای است بسیار به کار رفته باشد.

۸- از کاربرد واژه های مترادف، یکی پس از دیگری پرهیز شود.

دانش علم و دانش

۹- به جای در رابطه، مورد از درباره، در زمینه استفاده شود.

۱۰- از کاربرد کلمات تانیث عربی پرهیز شود:

امور مربوط امور مربوطه

کارهای لازم کارهای لازمه

عدم کاربرد مصدر فعلی مختوم به یت یا ساختن مصدر از واژه فارسی و پسوند یت عربی:

خوب بودن خوبیت

رهبری رهبریت

۱۱- پیشوند بل پیشوند مبالغه فارسی است نه عربی:

بلهوس بوالهوس

بلفضول بوالفضول

۱۲- پسوند انه

سالانه سالیانه

ماهانه ماهیانه

۱۳- پسوند جمع است عربی را نباید با واژه های فارسی و یا اسمهای ثلاتی مجرد به کار برد:

میوه ها	میوه جات
گزارشها	گزارشات
دستورها	دستورات
سفارشها	سفارشات
اثرها	اثرات
خطرها	خطراست
نفرها	نفرات
سبزی ها	سبزیجات

۱۴- نباید نشانه جمع عربی ین را با واژه های فارسی و حتی واژه های عربی به کار برد:

بازرسان	بازرسین
مهندسان	مهندسین

۱۵- پرهیز از کار برد مصدر نمودن به جای کردن

مشاور کارش را تمام کرد مشاور کارش را تمام نمود

۱۶- از میان سه مصدر گشتن، گردیدن و شدن تا حد ممکن از شدن استفاده شود.

۱۷- مطابقت فعل و فاعل: در فارسی با فاعل مفرد همیشه فعل مفرد آورده می شود (جز برای احترام):

- اگر فاعل جمع جاندار باشد فعل آن هم جمع است.

- **اگر فاعل (یا مسند الیه) جمع بیجان باشد فعل مفرد می آید.**

بنویسید	ننویسید
آینده	آتی
امپراتور	امپراطور
آرزوها	آمال
آمال	آمالها
امرداد	مرداد
آنچه	آنچه که
اتاق	اطاق
اتو	اطو
سوار اتوبوس شدن	اتوبوس گرفتن
اثاث	اثاثیه
خبرها	اخبارها
ارابه	عرابه
از سوی	(به) توسطِ
اسپانیایی	اسپانیولی
استادان	اساتید
استعفا کردن	استعفا دادن
اسطبل	اصطبل
اسلحه ها	سلاح ها
پرتوها، شعاع ها	اشعه

تازی	عربی
پیشبینی می شود	انتظار می رود، احتمال می رود
گسیل	اعزام
باتری	باطری
مفلوج	افلیج
باتلاق	باطلاق
دست کم	اقلاً
بیشتر، غالباً	اکثراً
باسمه تعالی	بسمه تعالی
باغها	باغات
سرانجام	بالاخره
بدعتگذار	بدعتگزار
برگزاری	برگذاری
بلیت	بلیط
بندرها	بنادر
بها	بهاء
پایداری	پایمردی
پیدایی	پیدایش
پیشخان	پیشخوان
تاس	طاس
تپانچه	طپانچه

تسویه حساب	تصفیه حساب
توفان	طوفان
دلپذیر،دلکش،دلانگیز،دلچسب	جالب
جرئت	جرأت
جهاز	جهیزیه، جهیز، جهازیه
پرحجم، کلفت	حجیم
براثر	در اثر
آسایش	راحت، راحتی
رُتیل	رطیل
خرسندی	رضایت
زغال	ذغال
شاغول	شاقول
رنگین کمان	قوس قزح
بسنده	مکفی
ملاط	ملات
میدانها	میادین
ناهار	نهار
نو	نوین
هیئت	هیأت

پایان

Էդիկ Բաղդասարյան
(Էդ. Գերմանիկ)

Ակնարկ Պարսկերենի Ուղղագրության
(Պարսկերեն)

Some Notes on Persian Orthography
(in Persian)

By:
Edic Baghdasarian
(Ed. Germanic)

ISBN : 978-1-927860-23-6

WWW.Edic-Baghdasarian.com

Toronto-2014-**Տորոնտո**